

# تاریخ

## قوانین رسمی در کشورهای اسلامی

- \* انحصار فقه عامه در مذاهب چهارگانه
- \* تدوین قوانین «المجله» در اواخر حکومت عثمانی
- \* قوانین اقتباسی پس از جنگ اول

\* \* \*

منظور از مطالعه در قوانین رسمی کشورهای اسلامی توجه بیک رشته قوانین اقتباسی غیر اسلامی است که پس از جنگ جهانی اول برای مسلمین تدوین و تهیه گردیده و در اثر اینکار قسمت مهمی از فقه عظیم اسلامی در دانشگاه‌های کشورهای اسلامی متروک و بیجان شده است؛ ملاحظه این گونه مسائل هر مسلمانی را از نقشه‌های ضد اسلامی و از هدف‌های دوراندیشانه و عمیق دشمنان که در آب و خاک‌های اسلامی ما تمقیب شده آگام، نموده و روشن میکند که تا چه حد شخصیت اسلامی ما طعمه امیال خائنانه و غرض‌ورزیهای دیگران شده است.

و ضمناً توجه اجمالی این موضوع زمینه بحث آینده ما را که بررسی نقاط برجسته حقوق اسلامی است بدست خواهد داد؛ مادر آیده خواهیم گفت که یک قسمت از مبانی حقوق اسلامی بر آن مبانی که در این قوانین اقتباسی وجود دارد ترجیح مستدل و قطعی داشته و یک قسمت دیگر از مسائل حقوقی که در ضمن این قوانین بعنوان محصول حقوق اروپا تحویل ما داده شده است به صورت کاملتری در فقه اسلام وجود دارد و تنها بی‌اطلاعی و یا غرض‌ورزی گذشتگان بوده که همه این افتخارات را به حساب حقوق اروپا گذاشته است.

بنابر این بحث اجمالی ما از دوره انحصار فقه در مذاهب چهارگانه، و بحث ما از کیفیت تدوین «المجله» در حکومت عثمانی هم که در این دو دوره تجاوزی به فقه اسلام نشده است، باین خاطر است که سابقه تاریخی تدوین قوانین رسمی در کشورهای اسلامی نیز توجهی نموده باشیم.

اولین واقعه ای را که میتوان تدوین قوانین رسمی در کشورهای اسلامی نامید منحصر ساختن مذاهب مختلفه اهل سنت به مذاهب چهارگانه بود که در حدود قرن چهارم هجری صورت گرفت .

عمل به قیاس و مصالح مرسله و استحسان که انحرافی از روش صحیح فقه است بود تا قرن چهارم هجری فقه اسلامی را به وضع بسیار خطرناکی دچار نموده باعث تشمت و اختلاف شدیدی در جامعه های اسلامی شده بود ، در حدود قرن چهارم پایه اختلافات در آراء و مذاهب فقهی به حدی رسیدم بود که ابداع یک روش فقهی جدید گرچه توأم با اشتباهات و خطاهای واضح بود یک عمل بسیار ساده و عادی بشمار می آمد ؛ هر کس بهره ای از حدیث و فقه داشت و پایه دروغ خود را منتسب به آن مینمود به ایجاد یک فقه مخالف می پرداخت و این وضع آشفتنه چنان شده بود که بعضی از مورخین نقل میکنند در حدود قرن چهارم ، نزدیک به پانصد روش و مذهب فقهی ابطال و تحریم گردید (۱) ما اگر این نقل را حمل به مبالغه کنیم باید این موضوع را بپذیریم که همین مبالغه حکایت از وضع بسیار نامنظم و درهم و برهمی میکند که فقه اسلامی در قرون اولیه دچار آن شده بود .

این اختلافات شدید فقهی سرتاسر کشورهای اسلامی را بجز نقاطیکه پیرو مذهب شیعه بودند فرا گرفته بود و در چنین شرائطی همه جا احساس میشد که باید این اختلافات خطرناک را که باقیمانده وحدت اسلامی را نیز بشدت دچار تجزیه میکرد خاتمه داد و مذاهبی را که صرفاً بر اساس های موهوم و باطل بنا گذاری شده بکلی ریشه کن نمود و بالاخره از میان این همه مذاهب مختلف آنهایی را اختیار کرد که در طی قرون اسلامی گذشته دارای اصالت بوده ظاهراً منتهی بموازین اسلامی میشوند .

هنگامیکه چنین انتخاب و تصفیهای میخواست عملی شود مذاهب چهارگانه حنفی مالکی ؛ شافعی ؛ حنبلی ، از نظر جمهور مسلمین دارای اصالت بود و فتاوی این ائمه چهارگانه ؛ احترام خاصی داشت ؛ بدینجهت این مذاهب شایسته بودند که بجای تمام مذاهب دیگر یک غالباً از همین مذاهب چهارگانه منشعب شده ولی موجود بدعتها و انحرافات زیادی شده بودند باقی بمانند ؛ گرچه از نظر موازین مسلم و صحیحی که شیعه در دست دارد همین مذاهب نیز در قسمتی از طرق استنباط از روش صحیح اسلامی پیروی نموده گرفتار انحرافات زیادی شده اند .

بالاخره در حدود قرن چهارم هجری بود که مذهب رسمی کشورهای اسلامی از نظر فقه عامه بچهار مذهب مذکور منحصر گردید و با در نظر گرفتن اینکه در این هنگام اجتهاد در

(۱) الحضارة الاسلامیه فی القرن الرابع الهجری ج اول : «المذاهب الفقهیه» .

مسائل اصلی فقه که مورد اجتهاد پیشوایان چهارگانه قرار گرفته بود برای دیگران قدغن و ممنوع گردید میتوانیم این حادثه را اولین مرحله تمیین قوانین رسمی در کشورهای اسلامی بشمار آوریم که حدود آن بچهارمذهب معروف محدود میشد .

پس از این واقعه فقهای عامه بخود اجازه اجتهاد و استنباط در مسائل اصلی فقه را نداده دایره اجتهاد را بیک قسمت مسائل جزئی وغالباً به تصحیح اسانید منقولات حدیث و فقه منحصر ساختند (۱) بدین طریق باب اجتهاد بروی فقهاء اهل سنت بسته شد و رکود و وقفه عجیبی در فقه عامه بوجود آمد که تا چند سال پیش ادامه داشت و اخیراً بهمت عالی جمعی از علماء و دانشمندان عامه خصوصاً با مساعی و روشن بینی حضرت علامه: «شیخ محمود شلتوت» رئیس محترم دانشگاه الازهر این وقفه و رکودیکه قرن های متبادی گریبانگیر فقه عامه بود در شرف برطرف شدن و زوال است و چنانکه چند فقره از فتاوی رئیس مذکور الازهر نشان داده زوال این رکود بهترین پیش آمدی است که پس از آن فقه شیعیه و امتیازات برجسته آن به عالم اسلام و جهان قانونگزاری معرفی خواهد شد .

انحصار مذاهب فقهی به ائمه چهارگانه عملی بود که بر حسب اقتضاء شد بد اوضاع صورت گرفت و این حادثه از نظر حفظ وحدت مسلمین بسیار لازم و ضروری بود گرچه از نظر مسدود شدن باب اجتهاد ضررهای گرانی در برداشت و گذشته از اینها انحصار مذاهب فقهی تقریباً تشکل و وحدتی بفقعه عامه بخشید که در طول تاریخ از نفوذ فقه شیعیه و اصول آن در میان عامه مانع شد .

\* \* \*

### تدوین قوانین «المجله» در اواخر حکومت عثمانی

دومین مرحله تدوین قوانین رسمی برای کشورهای اسلامی اینطور عملی شد که حکومت عثمانی در سال ۱۸۶۹ میلادی هیئتی مرکب از هفت نفر فقهای درجه اول حنفی را بریاست «احمد جودت پاشا» ناظر دیوان احکام عدلیه مأمور کرد تا کتابی مشتمل بر احکام معاملات که مطابق اقوال و آراء مشهور حنفی و عاری از اختلاف باشد تدوین نمایند ؛ مأموریت هیئت مزبور که بنام هیئت «المجله» معروف بودند هفت سال ادامه پیدا کرد ؛ در این مدت فقهاء مزبور آراء لازم را از جمیع ابواب فقه جمع آوری نموده در کتابی بنام «مجله الاحکام العدلیه» منتشر نمودند ؛ (۲) .

(۱) مقدمه ابن خلدون فصل هفتم از باب ششم .

(۲) مقدمه قوانین فقه اسلامی .

قوانینیکه در این مجموعه گردآوری شده بود در تمام ممالک اسلامی عثمانی مدار عمل قرار گرفت و در مدارس و دانشگاههای حقوق آنروز تدریس شد المجله مشتمل بر یک هزار و هشتصد و پنجاه و یک ماده است و نگارنده نسخه‌ای از آن را در کتابخانه دانشکده حقوق دیدم؛ بر قانون المجله شرحها و تعلیقات متعددی نوشته شده که از آن جمله کتاب «تحریر المجله» تألیف علامه فقید «شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء» میباشد.

پس از جنگ جهانی اول که آخرین بقایای خلافت اسلامی بدست بیگانگان و دول استعمارگر بر چیده گردیده تسلط و نفوذ اجانب بر کشورهای اسلامی بشدت توسعه یافت و آنها در جمیع شئون داخلی و خارجی مسلمین دخالت بسیار نزدیک نمودند، قوانین اسلامی المجله اول در ترکیه و بعداً در سایر کشورهای اسلامی ملغی شد و فرمانداران وقت در صدد برآمدند که قوانین رسمی جدیدی برای این کشورها تهیه و تنظیم نمایند.

اصولاً در این ایام پرطوفان و بحران تمام شئون اجتماعی و سیاسی ملل اسلامی دچار تحول و انقلاب عجیبی شده بود و تمدن اروپائی نه تنها در صنعت بلکه در تمام مبانی و آداب و رسوم اجتماعی و از آن جمله قوانین مانند سیلی بطرف این کشورها سرازیر شده هر گونه شخصیت دینی و ملی مردم مسلمان را بشدت متزلزل ساخته بود.

استعمارهای مختلف در صور گوناگون از این تحول؛ بهره برداری بسیار مهمی نمودند و در چنین شرائطی که باسانی میشد روابط این ملل را با گذشته‌شان قطع نموده آنها را پس از فاقد شدن هر گونه شخصیت به دامن ملل غربی انداخت، به کمک خود زمامدارانی را در کشورهای اسلامی روی کار آوردند که این منظورها را پلید و نقشه‌های خائنانه آنها را عملی کنند. برای انجام شدن این نقشه‌ها پیش از هر چیز دیگر قوانین اسلامی که در نظر مردم مسلمان یک رشته قوانین ابدی تغییرناپذیر بود و در نتیجه به آنها شخصیت ابدی می بخشید؛ مورد خراب کاری و خیانت بیگانگان قرار گرفت و بالاخره وقتی بنا شد قوانین رسمی ملل اسلامی تهیه شود این غرض با کمال اهمیت تعقیب شد که قوانین اسلامی احترام ابدی و همیشگی خود را در میان مسلمانان دست بدهد و از این طریق مسلمانان را کم کم روایتشان با گذشته‌شان قطع گردد.

اینکار بهترین وسیله‌ای بود که سبب میشد مسلمانان در تمام شئون زندگی خود دست گدائی و سؤال به پیش دیگران دراز کنند و منابع و ذخائر پایانناپذیر علمی و حقوقی خود را بکلی فراموش نمایند؛ بالاخره این نقشه خطرناک جامه عمل پوشید و حقوق اسلامی دچار ضایعات جبرانناپذیری گردیده قوانین غیر اسلامی زبادی برای کشورهای مسلمان تهیه و تصویب گردید

که اینک مختصری از این تحول را بیان میکنیم .

\* \* \*

### قوانین اقتباسی پس از جنگ اول

پس از جنگ جهانی اول در هر کدام از کشورهای اسلامی قوانین جدید متعددی تهیه و تصویب شد که مهمترین آنها قوانین مدنی و جنائی، این کشورها میباشد .

غالب این قوانین ؛ از حقوقهای اروپائی متأثر شده و در رشته جنائی اصول کشورهای اسلامی فقه اسلام را بطور کلی کنار گذاشته در همه جا از قوانین اروپائی الهام گرفته اند . در بعضی از کشورها میزان تأثر از حقوق اروپا در رشته مدنی بسیار زیاد است که از آن جمله است کشور لبنان .

کشور لبنان پس از جنگ اول تحت قیادت و تسلط دولت فرانسه قرار گرفت در این مدت قوانینی برای این کشور وضع گردید که بیشتر متخذ از قوانین فرانسه بود ؛ اهم این قوانین ، قانون ثبت املاک ، و قانون موجبات و قانون اصول محاکمات ؛ و قانون تجارت بحری میباشد . پس از این جریان قانون «موجبات و عقود لبنانی» را یکنفر قاضی فرانسوی در لبنان در سال ۱۹۲۵ میلادی تدوین نموده برای ملاحظه و تنقیح نزدیکی از اساتید حقوق دانشگاه «لیون» فرانسه بنام «ژراند» فرستاد ؛ استاد مذکور در آن اعمال نظر کرده و آنرا عودت داد و سپس این قانون جهت منطبق ساختن آن با عرف و عادات محلی به هیئت مستشاران لبنانی عرضه شد ، هیئت مزبور هم اصلاحاتی در آن بعمل آورد و پس از اتمام این رسیدگی ها قانون به تصویب مجلس شورای لبنان رسید .

چنانکه از بررسی مراحل تحول قانون مدنی لبنان و از مطالعه و تطبیق مواد آن با حقوق اسلامی برمیآید در این قانون گرچه آراه حنفی جلوه کاملی دارد ولی تأثر این قانون از قوانین اروپا بسیار زیاد است و در حقیقت قیافه فقه اسلامی در این قانون بکلی مسخ شده است . در میان قوانین مدنی سایر کشورهای اسلامی قانون مدنی مصر و ایران بیش از سایر قوانین وضع اسلامی خود را حفظ نموده و کمتر از قوانین اروپا متأثر شده است در حالی که قانون مدنی ترکیه ترجمه قانون مدنی سویس است که مختصر تمدنیاتی در آن بعمل آمده است . چنانکه ملاحظه میفرمائید در این دوران تدوین قوانین رسمی ؛ زمامداران و قانون - گزاران کشورهای اسلامی تا چه حد زیادی فاقد شخصیت اسلامی شده و در مقابل ؛ چه فریفتگی و خود باختگی شدیدی نسبت به اروپا نشان داده اند ؛ ممکن است گفته شود مقدار زیادی از این قوانین در عین حال که از اروپا اقتباس شده با قوانین اسلامی نیز موافق است و بنا بر این جای گله

و تأسفی باقی نیست ولی این فکر بسیار اشتباه است و چقدر جای تأسف و تألم است که ما برای شخص حقوق آسمانی اسلام ارزش ذاتی قائل نشده و با وجود داشتن چنین منابع بی نیاز کننده دست گدائی بسوی بیگانه‌ها دراز نموده آنوقت منافع خود را با هزار منت و اذیت و پس از کم کردن شخصیت خود از آنها باز گیریم؛ مثلاً چنانکه تحقیقات بعضی از نویسندگان دانشمند مصری نشان میدهد «قانون مدنی فرانسه» تا حد بسیار زیادی از «فقہ مالکی» گرفته شده ولی هرگز امثال این موضوع باعث تسلی مسلمین نشده جبران و رشکستگی علمی و روحی ما را نخواهد کرد این فکر اشتباه است که ما با امثال این موضوع دل خود را خوش کنیم ولی عملاً در هر شائی از شئون اجتماعی و علمی بنده و برده دیگران باشیم همه جاسخن از افتخارات گذشته بمیان آوریم ولی یک قدم بسوی تجدید عظمت و شخصیت خود بر ننداریم.

از قوانین مدنی کشورهای مسلمان که بگذریم نوبت مطالعه در قوانین جنائی آنها میرسد در این رشته است که طومار حقوق اسلام بکلی بدست بیگانگان برچیده شده بطوریکه دانشجویان مسلمان این کشورها خیال میکنند اصلاً اسلام در مسائل مربوطه «جرم و مجازات و مسئولیت» و بالاخره در باب حقوق جزا کوچکترین قانونی ندارد و این دین را تنها باید از نظر تاریخی مطالعه نمود؛ مادر بحث‌های آینده دربارهٔ سر نوشت تأثر آورده قوانین جزائی اسلام، در کشورهای اسلامی بطور اختصار سخن خواهیم گفت.

## خوبیهای دنیا و آخرت

حضرت امام محمد باقر (ع) از جدش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمود: خداوند بمن وحی فرستاد که: اگر بخوایم خوبیهای دنیا و آخرت را برای مسلمانی جمع کنم؛ دلی با خشوع و زبانی که بیاد پروردگار باشد و بدنی که در برابر نامالایمات استقامت ورزد؛ و همسر با ایمانی که هر گاه بوی نظرافکنند او را مسرور گرداند و در غیاب شوهر خویشتن دار باشد و اموال او را حفظ کند؛ بوی ارزانی میدارم.

(جوهر السنیه شیخ حر عاملی)